



Sociological Explanation of the Bottlenecks and Problems of Political Participation of Marketeers in the Period of Moderation

Reza GholamiZarne*

Ebrahim Mottaghi,** Jalaledin Raffar***, Ali BaghaeiSarabi****

Abstract

Following the migration of the prophet Mohammad to Medina, establishing the new political structure and increasing the number of Muslims, the newly established government faced new challenges and realities. One of these realities and challenges was the economic life of Medina society and the need for its organization. Accordingly, the present study based on a descriptive and explanatory method, tries to answer the question of how economic strategies of Nabawi Government could transcend the traditional economy to Islamic one and what were those strategies employed in that time. In fact, the aim of this study is to investigate the policies, strategies and approaches of the holy Prophet management in the economic arena and introducing it as an example for real Islamic economy. The results indicated that the Prophet Mohammad tried to illuminate the basic strategies and future of Islamic government in the economic arena based on the tangible necessities and realities. These strategies originated both from revelational and nabawi teachings and based on realities and necessities of establishing Islamic government, recognizing elements and capacities of Mohajirin and Ansar as well as circumstances of new environment and context. Trying to eliminate traditional treats, illuminating new concepts and elements of Islamic economy, endorsing economical basis of Muslims and cutting their dependence to Moshrkin and Ahlol-Ketab were some of the new strategies of Nabawi government. Therefore, the Prophet Mohammad sought to present and put new thinking and strategies in the new economy so as to organize new kind of economy in Medina which is called Islamic economy.

Keywords: political participation, marketeers, moderation, grounded theory.

Article Type: Research Article.

Citation: GholamiZarne, Reza, Mottaghi, Ebrahim, Raffar, Jalaledin & BaghaeiSarabi, Ali (2021). Sociological Explanation of the Bottlenecks and Problems of Political Participation of Marketeers in the Period of Moderation, 4(2), 661-689.

* Ph.D Student of Political Sciences, Department of Political Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

** Professor of International Relations, Department Law and Political Sciences, Political Sciences Department, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author: emottaghi@ut.ac.ir)

*** Professor of Anthropology, Faculty of Social Sciences, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran.

**** Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran.



International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 2, 661-689.

Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال

رضا غلامی زرنه*

ابراهیم متقی،** جلال‌الدین رفیع‌فر*** و علی بقایی سراپی****

چکیده

مشارکت سیاسی افراد در هر جامعه‌ای، از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در رسیدن به دموکراسی و توسعه سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. نیاز به مشارکت و هم‌فکری اعضای جامعه و نیز احساس تعلق و اعتماد به حاکمیت، از ملزومات دوسویه در جوامع پیشرفته و مردم‌سالار است. این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال با روش نظریه داده بنیاد به دنبال شناسایی شاخص‌های این مشارکت است. داده‌های پژوهش، از بین ۱۶ مصاحبه نیمه ساختاریافته به دست آمده است. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند از میان بازاریان تهران انتخاب و تعداد نمونه‌ها با توجه به رسیدن به اشباع مفهومی مشخص شد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با کدگذاری انجام شده است. طی مراحل کدگذاری، داده‌ها ابتدا خرد و سپس دوباره باهم مرتبط می‌شوند. در این تحقیق از مجموع ۸۳۷ داده خام، ۳۸۷ مفهوم از داده‌های اولیه استخراج شده که از میان آن مفاهیم ۵۸ خرده‌مقوله و ۱۷ مقوله به دست آمده است. در نهایت مفهوم محوری «بی‌اعتمادی تدریجی» به عنوان پدیده اصلی که بقیه مقولات را پوشش می‌داد، انتخاب شد. نتایج این پژوهش نشان داد مهم‌ترین عامل در عدم مشارکت یا بی‌تفاوتی سیاسی اجتماعی مشارکت‌کنندگان پژوهش، از دست رفتن تدریجی اعتماد آنها به حاکمان سیاسی و باور به بی‌تأثیری و صوری بودن مشارکت و نقش سیاسی خود است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت سیاسی، بازاریان، اعتدال، نظریه داده بنیاد.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

** استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
emottaghi@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

*** استاد مردم‌شناسی / انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

**** استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره دوم، ۶۶۱-۶۸۷.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



۱. مقدمه

مشارکت سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی، از ارکان مهم رفتارهای سیاسی به‌شمار می‌رود. در جامعه کنونی ایران، وجود یا عدم وجود مشارکت سیاسی در بین افراد جامعه رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظام و هم‌بستگی مردم با آرمان‌ها و اهداف کوتاه و بلندمدت آن دارد. مشارکت سیاسی افراد در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه نشان از بلوغ سیاسی افراد و توسعه سیاسی آن جامعه بین جوامع دیگر دارد. در این میان مشارکت سیاسی بازاریان و طبقه بازرگان و تجار جامعه، به‌عنوان پیش‌قراولان عرصه اقتصادی جامعه، می‌تواند نقش مؤثری در هم‌داستانی و هم‌نوایی اقتصاد مردمی با سیاست‌های نظام داشته باشد.

مشارکت شهروندان در یک جامعه، درجات و انواع مختلفی دارد که شامل همکاری و همیاری تا همبستگی و انطباق و پذیرش با افراد و جامعه می‌شود. همه این اشکال مشارکت به‌خصوص مشارکت در امور سیاسی در قوام و دوام حیات اجتماعی نقش‌آفرینی مثبت و مؤثری داشته‌اند به همین دلیل تشویق و ترغیب به مشارکت همواره مورد توجه مصلحان اجتماعی بوده است. مشارکت مردم در سیاست کشور امری حیاتی برای رشد دموکراسی و افزایش مشروعیت یک کشور است که می‌توان آن را به‌عنوان طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های سیاسی از سوی شهروندان در نظر گرفت که بر روند سیاست کشور و بدنه حکومتی جامعه اثر می‌گذارد (Jakubowska and Kaniasty, 2015). ر نظام سیاسی، به دنبال جلب مشارکت حداکثری افراد جامعه خود، به‌ویژه بازاریان و طبقاتی که نقش پررنگی در چرخه اقتصادی جامعه دارند، است. یکی از دغدغه‌های هر نظامی، ناهم‌نوایی و عدم مشارکت افراد جامعه، به دلایل عدم همراهی با نظام و مخالفت با اهداف و برنامه‌های آن نظام است. برای جلب این هم‌نوایی و ایجاد مشارکت سیاسی در بین آحاد مردم، باید به بررسی موانع و مشکلات عدم مشارکت، پرداخته شود و ضمن برطرف کردن آن موانع، زمینه‌های مشارکت حداکثری افراد جامعه را فراهم کرد. در تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر ایران ظهور و نقش‌آفرینی گروه‌های سیاسی - اجتماعی چندی را شاهد بودیم.

هریک از این گروه‌ها بنابر مقتضیات زمان و بسترهای فکری، اجتماعی و اقتصادی خود روابط متفاوتی با ساخت سیاسی برقرار کرده و در تحولات و پویس‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته‌اند که یکی از این گروه‌ها، بازاریان بوده‌اند.

۲. بیان مسئله

تحولات سیاسی اخیر در ایران و به‌ویژه جنبش‌های و اعتصابات مردمی، به اذعان کارشناسان و تحلیل‌گران اقتصادی و سیاسی، از تنگناهای معیشتی و نیز گسست بین دولت و ملت نشئت گرفته است. احساس سرخوردگی سیاسی و اقتصادی در بین مردم، باریک‌تر شدن طبقه اقتصادی متوسط جامعه و تنگناهای اجتماعی و سیاسی دیگر، روزبه‌روز مردم را به مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی، اجتماعی در جامعه، بی‌انگیزه‌تر می‌کند. در این میان، بازاریان با نقش حساس خود در تعیین و تغییر موازنه اقتصادی - سیاسی (همان‌طوری که در طول تاریخ نشان داده‌اند)، می‌توانند به‌عنوان تأثیرگذارترین طبقه جامعه در گذار مسالمت‌آمیز جامعه به دموکراسی و تحولات مثبت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یا برعکس، عمل کنند.

مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی، اجتماعی کشور، نه‌تنها نشان‌دهنده سلب اعتماد آنها به حاکمیت است، بلکه نشان از آغاز دوره و خالی شدن عرصه سیاسی از توده دلسوز و اعتدال‌گرای جامعه است که خود زمینه خفقان سیاسی و روی کار آمدن جناح‌های تندرو و رادیکال را فراهم می‌کند. بنابراین احیای مجدد روحیه مشارکت‌جویانه در بین تمام افراد جامعه، به‌ویژه بازاریان، می‌تواند به‌عنوان ایجاد توازن بین دیکتاتوری و دموکراسی خواهی عمل کند.

مشارکت سیاسی و نقش آن در ثبات و ابقای یک جامعه و برقراری نظم سیاسی در آن جامعه اهمیت دارد. با مرور تاریخ می‌توان به اهمیت مشارکت سیاسی مردم در تعیین سرنوشت حکومت‌ها و ملت‌ها پی برد. حال با صرف‌نظر از تاریخ دیگر ملل، می‌توان گفت در جامعه ما رویدادهای بزرگ و مهمی رخ داده است که مهم‌ترین عامل این

رویدادها را می‌توان حضور گسترده مردم و مشارکت آنان در صحنه دانست (Mekonen and Mulugeta Berihun Asfaw, 2016). بزرگ‌ترین قیام‌های ملی و جنگ‌های تاریخی در ایران به واسطه مشارکت مردم معنا یافته و تلخ و شیرین و ناگوارترین شکست‌ها در سایه عدم مشارکت به وقوع پیوسته است (حیدری ساربان، ۱۳۹۷).

تاکنون پژوهش‌های زیادی در حوزه مشارکت سیاسی انجام شده است، اما درخصوص تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال تاکنون پژوهشی نداشتیم. ازاین‌رو با توجه به اهمیت مطالب مطرح شده هدف پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات مشارکت سیاسی بازاریان در دوره اعتدال است. هدف محقق از انتخاب بازاریان برای پژوهش، ارزیابی نگرش و تلقی آنها از مشارکت اجتماعی سیاسی، در دوران اعتدال این بود که آنها به دلیل وضعیت نسبتاً مرفه و ثبات اقتصادی خود، کمتر درگیر تنگناهای اقتصادی حاصل از گرانی و افزایش تورم‌اند و فرصت پرداختن به مسائل غیرمعیشتی و مالی را دارند و ازسوی دیگر، به دلیل ارتباط تنگاتنگ شغل خود با تصمیمات و مشی‌های سیاسی حاکم بر جامعه، بیشترین تأثیرپذیری را متحمل می‌شوند به همین دلیل بازاریان دارای درک نسبتاً بیشتری از وضعیت سیاسی اقتصادی جامعه‌اند.

یافته‌های پژوهش رستمی، دهقان‌نژاد و محمودآبادی (۱۳۹۸)، با عنوان «تأثیر سیاست‌های اقتصادی در تقابل بازاریان با حکومت در (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)» نشان می‌دهد سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت علیه بازاریان، مداخله نهادهای دولتی در امور بازار، افزایش روزافزون نقش دولت در اقتصاد، بحران‌های اقتصادی و تحت فشار قرار گرفتن بازاریان ازسوی دولت و همچنین تلاش دولت برای مدرنیزه کردن اقتصاد و اجرای برنامه توسعه صنعتی شتابان در کشور و پیامدهای ناشی از آن، به‌طور روزافزون عرصه را بر بازاریان تنگ کرد و با تهدید کسب‌وکار بازاریان، نارضایتی و واکنش آنها را علیه حکومت پهلوی دوم برانگیخت. این پژوهش شباهت موضوعی زیادی با مقاله حاضر دارد و نتایج آن نیز با نتایج پژوهش حاضر هم‌سوست.

در پژوهش دهقان‌نژاد، رستمی و منتظرالقائم (۱۳۹۶)، با عنوان «بررسی تحلیل زمینه‌ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، براساس «مدل بسیج» چالز تیلی (۱۳۵۷-۱۳۴۰)»، تلاش شده تا با روش تحلیلی - تاریخی و با تکیه بر متغیرهای اصلی «مدل بسیج» چارلز تیلی، تبیینی واقعی و روشن برای ارائه شود. بنابراین، ابتدا نقش ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص بازاریان در این زمینه و سپس، نقش و عملکرد دولت و تأثیر آن بر جهت‌گیری‌ها و پویای سیاسی بازاریان، ارزیابی و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش زارعی و کولیایی (۱۳۹۵)، با عنوان «نقش طبقه بازار در تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران» نشان می‌دهد بازار پس از انقلاب اسلامی تا دهه اخیر با تحولات بسیاری روبه‌رو بوده است، اما توانسته جایگاه سنتی خود را تاکنون حفظ کند. بازاریان با روحانیون پیوسته ارتباطات خوبی داشتند و از حامیان اقتصادی آنها بودند. با پیوستن بخشی از بازار به دولت بعد از انقلاب، بخش دولتی بازار شکل گرفت و این بخش توانست مناصب را تصاحب کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بازار فقط یک مکان تجاری محض و تک‌بعدی نیست، بلکه باید آن را پیکره‌ای مرکب از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی دانست. یافته‌های این تحقیق نیز منطبق با یافته‌های پژوهش حاضر است. بازار و بازاریان به‌مثابه موجودی زنده و فعال، برای پویایی و رشد خود و همچنین یافتن انگیزه‌های لازم برای مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، به زمینه‌های آزاد و مبسوط در عرصه سیاسی و اقتصادی نیاز دارند.

بهشتی سرشت، رحیمی و آدینه‌وند (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه (۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ م)» نشان می‌دهند بعد از انقلاب مشروطیت، به‌دلیل برنامه‌های نوسازی دولتی، جایگاه و موقعیت بسیاری از اقشار جامعه تغییر یافت و این موضوع بر جنبه‌های مختلف حیات آنان تأثیر گذاشت. اصناف و بازاریان به‌عنوان بخشی از ساختار حیات شهری، با تأثیرپذیری از

سیاست‌های دولتی و اوضاع جهانی، در جریان حوادث مهم کشور قرار گرفتند. دولت رضاشاه با اشراف به کارکردهای چندگانه اصناف، در بسیاری از سیاست‌های داخلی بازاریان را مدنظر داشت و با نظارت بر نظام صنفی، درصدد کاهش قدرت آنان بود؛ بنابراین برنامه‌های عمرانی و اقتصادی دولتی، واکنش‌هایی را در میان اصناف و بازاریان به وجود آورد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بازاریان در دهه ۱۳۰۰ ش، کارکرد و نقش پررنگی در برنامه‌های سیاسی و اقتصادی داشتند؛ ولی برنامه‌های دولت رضاشاه، در راستای نوسازی و تأسیس دولت مطلقه و ورود آن به عرصه اقتصاد، قدرت سیاسی و مالی آنان را کاهش داد.

۳. رویکرد نظری

در بررسی نظریه‌های ارائه شده توسط صاحب‌نظران مرتبط با موضوع پژوهش، در ابتدا اشاره‌ای به نظریه هانتینگتن می‌کنیم. از دیدگاه وی «فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی بیانجامد: یک طریق آن از مجرای تحرک اجتماعی است؛ به این صورت که کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر به‌نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی، به‌عنوان متغیرهای واسطه، مشوق مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. از نظر آنان از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی وی دارد. دیدگاه دوم تأثیر وسعه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نظیر اتحادیه‌های شغلی و صنفی و گروه‌های مدافع علایق خاص است که در جامعه توسعه‌یافته‌تر بر تعداد آنها افزوده می‌شود. این عامل، در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است،

اهمیت بیشتری دارد. در این جوامع فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر، به‌عنوان آخرین راه‌حل به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد» (Quaranta, 2016: 795). از سوی دیگر، رابرت دال درصدد ارائه دلایلی است که چرا امروزه با اینکه در اجتماعات بشری سطح اطلاعات مردم بالاتر می‌رود حق رأی آنها وسیع‌تر و دستگاه‌های سیاسی دموکراتیک، گسترده‌تر می‌شوند، اما تعداد افراد بی‌تفاوت زیاد است. او چندین دلیل در قالب قضایای روان‌شناختی رفتارگرایانه ارائه می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. اگر مردم در ارزیابی‌شان متوجه شوند پاداشی که از درگیری در امور مشارکتی و سیاسی به دست می‌آورند، از پاداشی که از دیگر فعالیت‌ها به دست می‌آورند کم‌تر باشد، تمایل کم‌تری به مشارکت خواهند داشت.
۲. هرگاه مردم در بین شاخه‌ها و شقوق انتخاباتی پیش روی خودشان تفاوت بارزی احساس نکنند، کم‌تر مایل به مشارکت خواهند بود.
۳. اگر مردم فکر کنند هر کاری که در حوزه مشارکت و انتخابات نمایندگان انجام می‌دهند، نمی‌تواند منشأ تغییرات شود، هرگز در آن وارد نمی‌شوند.
۴. هرگاه مردم فکر کنند بدون حضور آنها نیز نتیجه احتمالی مشارکتی تأمین می‌شود، احتمال مشارکت کم می‌شود.
۵. هرگاه مردم فکر کنند دانش و آگاهی‌شان محدودتر از آن است که در مشارکت کارایی کافی داشته باشند، ترجیح می‌دهند کم‌تر مشارکت کنند.
۶. هرگاه مردم فکر کنند پاداش مشارکت برای آنان کم‌تر از هزینه آن است ترجیح می‌دهند مشارکت نکنند (علی‌ثی، ۱۳۸۹: ۸۰).

از سوی دیگر، براساس نظریه دال، دلیل عدم مشارکت سیاسی در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، غلبه و استیلاي نظر عده کوچک و بانفوذ در اتخاذ سیاست‌های کلان است. «به‌نظر دال هرچند در کشورهای توسعه‌نیافته به‌دلیل فقدان سازمان‌دهی سیاسی مشخص، تحلیل مشخصی از رابطه بین عقاید سیاسی و عمل سیاسی وجود ندارد. اما

احتمالاً این نکته روشن است که به دلیل سطح پایین آموزش همگانی در این کشورها عقاید اقلیت کوچکی جهت‌گیری سیاسی کل جامعه را سبب می‌شود. این رابطه به نسبت گرایش افراد تحصیل‌کرده تعدیل می‌شود» (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۸). «همدلی» مفهومی است که لرنر از آن برای سنجش مشارکت استفاده می‌کند. «پیش‌فرض آنکه هم‌دلی به معنای توانایی فرد در این خصوص، که خود را به جای دیگران قرار بدهد، صرفاً در جوامعی رخ می‌دهد که به موجب آن با دیگران هم‌گرا می‌شود، اول آنکه شباهتی که با دیگران دارد و دوم گرایش شبیه بودن به دیگران می‌باشد. لذا لرنر به آن دسته از توان‌ها و قابلیت‌هایی که باعث می‌شود فرد خود را به جای دیگران بگذارد و تحمل پذیرش قالب‌های غیرخودی را داشته باشد، خودپذیری یا همدلی می‌گویند» (مقدس جعفری و باقرزاده، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

از نظر اینگلهارت (Inglehart) مسئله مشارکت در مغرب زمین به سه عامل ارتقای تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی (Value Priorities)، بستگی دارد. «علاوه بر عوامل یادشده، رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت می‌باشد، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و در نتیجه، حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌گردد» (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴). در این پژوهش مطالعه ادبیات نظری (برخی نظریه‌ها، مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع (انواع مشارکت))، زمینه‌های آشنایی محقق با برخی مفاهیم و مقولات متناسب با موضوع را فراهم کرده است. این نظریه‌ها را می‌توان به دو دسته نظریه‌های خرد (نظریه انسان نوگرا، نظریه ویژگی‌های فردی، نظریه انگیزشی) و نظریه‌های کلان (نظریه سرمایه اجتماعی و فرهنگی - اقتصادی) تقسیم کرد.

نظریه ویژگی‌های فردی لرنر مطرح می‌کند جامعه جدید مشارکتی است و نوسازی، حرکت جامعه سنتی به سمت جامعه مشارکت‌جوست. لرنر شکل‌های مشارکت را به مؤلفه‌های مشارکت روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی کرده

است کرده است. هانتینگتون کیفیت و سطح مشارکت سیاسی را در دو سطح کلان و خرد مطالعه می‌کند. در سطح کلان نهادمندی و ابزارهای نهادینه کردن توده‌ها را احزاب سیاسی، انتخابات و مجالس قانون‌گذاری می‌داند. وی در تعریف کارکرد احزاب سیاسی از سازمان‌دهی مشارکت سیاسی، ادغام منافع و ایجاد پیوند میان نیروهای اجتماعی و حکومتی نام می‌برد. یعنی آنچه هانتینگتون نهادمندی سیاسی می‌نامد و آن را فرا‌گردی می‌داند، سازمان‌ها و شیوه‌های عملی با آن ارزش و ثبات می‌یابند (Huntington, 1998).

۴. روش پژوهش

در میان انواع روش‌های کیفی، روش زمینه‌ای از روش‌های مورد علاقه محققان که به دنبال شناخت عمیق از درک افراد درباره پدیده مورد نظر است. استغراق کامل پژوهشگر در موضوع پژوهش و امکان استفاده از انواع سؤالات نیمه‌ساخت‌یافته و امکان تغییر آنها در هر مصاحبه، برحسب نیاز محقق، از ویژگی‌های این روش پژوهشی است. خاصیت رفت و برگشتی (فرایندی) بودن این روش، امکان واقعی ساختن داده‌های مورد نیاز را در اختیار محقق قرار می‌دهد. محقق در این پژوهش، به دنبال شناخت، درک و تجربه زیسته افراد مورد نظر (بازاریان)، از پدیده مشارکت و علل و عوامل افزایش، کاهش یا بی‌تفاوتی نسبت به آن است. بنابراین، روش کیفی زمینه‌ای، با تأکید بر مصاحبه‌های عمیق همراه مشاهده و درگیری در میدان و موضوع، روش مناسبی برای کسب داده‌های عمیق است و همچنین استفاده از روش‌های کمی، روشی مکمل برای اعتباردهی بیشتر به پژوهش محسوب می‌شود.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان

شماره	نام	سن	شغل	تحصیلات	نقش سیاسی	رویکرد سیاسی
۱	رسول	۴۳	فروش لوازم زنانه	دیپلم	عدم ادامه شرکت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۲	افشین	۴۵	فروش پارچه	دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۳	مرتضی	۴۸	فروش گیاهان دارویی	دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۴	اکبر	۴۵	فروش مواد غذایی	فوق‌دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۵	محمدحسین	۵۸	فروش لوازم خانگی	فوق‌دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۶	محمدرضا	۴۵	فروش پارچه	لیسانس	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۷	ستار	۴۶	فروشنده لباس	لیسانس	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۸	امیر	۴۰	فروش لوازم خانگی	لیسانس	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۹	امید	۴۳	فروش قهوه	لیسانس	عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۰	فریبرز	۳۷	فروش لوازم خانگی	کارشناسی ارشد	عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۱	بابک	۴۸	فروش کاغذ	دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۲	احمد	۴۳	فروش لوازم خانگی	دیپلم	عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۳	موسی	۵۰	فروشنده لباس	دیپلم	عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۴	حمید	۴۴	فروش لوازم خانگی	دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی

شماره	نام	سن	شغل	تحصیلات	نقش سیاسی	رویکرد سیاسی
۱۵	احسان	۴۶	فروش پارچه	فوق‌دیپلم	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	بی‌اعتماد به مشارکت سیاسی
۱۶	قاسم	۳۹	فروش لوازم خانگی	لیسانس	عدم عضویت در گروه‌های ثانویه	اعتماد به مشارکت سیاسی

مشارکت‌کنندگان بخش کیفی این پژوهش ۱۶ نفر از بازاری‌های منتخب با روش هدفمند از بین واجدان شرایط است. تعداد مشارکت‌کنندگان براساس رسیدن به مرحله اشباع داده‌های نظری و تا حدودی مفهومی تعیین می‌شود. جدول ۱ مشخصات کلی درباره مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد (تعدادی از اسامی مستعارند).

در بخش کیفی پژوهش، هدف محقق، کشف و برقراری ارتباط بین مفاهیم به‌دست آمده است. بخش کیفی بر مبنای جمع‌بندی نظرهای مصاحبه‌شوندگان از مشارکت و درک آنها از علل، زمینه‌ها و پیامدهای آن براساس روش نظریه زمینه‌ای است؛ این تحقیق با کمک نمونه‌گیری نظری، غیراحتمالی و هدفمند به بررسی تجربه زیسته افراد از موضوع پژوهش می‌پردازد. نمونه‌گیری این پژوهش، نظری و هدفمند است. مصاحبه‌ها در محیط کاری (بازار) انجام شده است.

ماهیت این تحقیق به‌گونه‌ای بود که در مرحله کیفی، از بازاریان تهران، مصاحبه‌های عمیقی در خصوص درک آنها از مشارکت و علل و عوامل گرایش به آن یا بی‌تفاوتی و عدم مشارکت آنها در ابعاد سیاسی، اجتماعی، صورت گرفت. یافتن مشارکت‌کنندگان مطلع و امکان مصاحبه با آنها با توجه به مشغله بازاریان در ساعات کاری، محدودیت‌های بسیاری برای محقق به دنبال داشت. مشارکت‌کنندگان تمایلی به مصاحبه در مورد مسائل سیاسی یا مشارکت سیاسی نداشتند و بنا به دلایلی از بیان نظرهای خود امتناع یا آنها را سانسور می‌کردند. در نهایت، اشباع نظری لازم بعد از مصاحبه‌های یازدهم، حاصل شد و پنج مصاحبه بعدی برای اطمینان از حصول اشباع نظری صورت گرفت.

با توجه به موضوع پژوهش حاضر که در رابطه با تجربه زیسته بازاریان از مفهوم

مشارکت است، در ابتدا چند سؤال کلی و بسته تهیه شد، سپس محقق هنگام مصاحبه، سؤالات را برای رسیدن به داده‌های مورد نیاز تغییر می‌داد یا کم و زیاد می‌کرد. محورهای سؤالات مصاحبه حول وحوش درک و تلقی مشارکت‌کنندگان از مشارکت سیاسی، علل و شرایط مداخله‌گر در کم و کیف مشارکت سیاسی افراد و راهبردهای مشارکت‌کنندگان برای افزایش مشارکت سیاسی و در نهایت پیامدهای راهبردهای اتخاذ شده است.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (Trustworthiness) (معادل پایایی (Reliability) و روایی (Validity) در تحقیقات کمی) از سه فن متعارف و مرسوم (Silverman, 2013: 15) زیر استفاده شد:

۱. **مقایسه‌های تحلیلی:** رجوع مجدد به داده‌های خام و نظریه‌های مرور شده، باعث می‌شود محقق در مصاحبه‌های بعدی، به صورت فرایندی، با موضوع پژوهش، به صورت هدفمندتر و عمیق‌تر ارتباط برقرار کند و داده‌های بعدی حول محور مقوله‌های استخراج شده، بسط یابد.

۲. **کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا:** در این پژوهش با استفاده از مراجعه مجدد به مشارکت‌کنندگان (۶ نفر) از آنها خواسته شد تا نظر خود را درباره راستی و صحت گزاره‌های به دست آمده و تطابق آنها با منظور مشارکت‌کنندگان تأیید کنند.

۳. **استفاده از فن ممیزی:** در این پژوهش سعی شد با استفاده از نظرهای استادان راهنما و مشاور و نیز افراد آشنا با روش پژوهش، یافته‌ها به واقعیت نزدیک‌تر باشند.

۵. **تحلیل داده‌ها و کدگذاری**
فرایند کدگذاری یا روند تجزیه و تحلیل داده‌ها نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند که این همان فرایند اصلی است که نظریه براساس یافته‌ها تدوین می‌شود. کدگذاری، روند اصلی ساختن و پرداختن نظریه از داده‌هاست (ازکیا، احمدرش و پارتازیان، ۱۳۹۶: ۳۱۸). کدگذاری انجام شده در این پژوهش، بعد از ضبط و

یادداشت‌برداری در هنگام مصاحبه، در منزل تایپ و بازخوانی و براساس ارتباط مفهومی داده‌ها مرتب شد. سپس داده‌های هم‌مفهوم در یک طبقه مفهومی و چند طبقه مفهومی مشترک در یک طبقه کلی‌تر به نام خرده‌مقوله و در آخرین مرحله، چندین خرده‌مقوله مشترک در یک چتر انتزاعی‌تر به نام مقولات، طبقه‌بندی شدند. برای تشریح جریان کار تبدیل داده‌های خام به مفاهیم، یک نمونه از مصاحبه‌ها و نیز به نحوه رسیدن از داده‌های خام، به مفاهیم به‌دست‌آمده اشاره می‌کنیم. در جریان تحلیل خط‌به‌خط مصاحبه‌های صورت گرفته، پاسخ‌گویان جملات زیر را بیان کرده‌اند. جدول ۲ نحوه وارد کردن داده‌های خام به جدول سه ستونی بعد از مرتب کردن مفاهیم هم‌معنا یا مشترک است. داده‌هایی که مفهوم یا مفاهیم مشترک داشتند؛ یک مفهوم به‌خود اختصاص می‌دهند. در جدول ۲، به نمونه‌ای از مفاهیم مشترک داده‌های خام مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کنیم.

جدول ۲. نمونه سبیر از داده‌ها به مفاهیم

کد	داده خام	مفاهیم
رسول (۱)	«به‌نظر من مشارکت سیاسی یعنی این‌که در مواردی که احساس می‌کنیم رأی و حرف ما می‌تونه اثری داشته باشه، سکوت نکنیم»	سکوت نکردن در صورت احساس اثربخشی رأی و حرف (درک)
افشین (۶)	«به‌نظر من مشارکت سیاسی یعنی این‌که در مواردی که احساس می‌کنیم رأی و حرف ما می‌تونه اثری داشته باشه، سکوت نکنیم»	بی‌تفاوتی مردم
مرتضی (۱)	«الان مردم کلاً بی‌تفاوت شدن»	
اکبر (۱۶-۱۷)	«درک من از مشارکت سیاسی این است که در هر کشوری که بر مبنای مردم‌سالاری اداره می‌شود، باید حرف و نظر مردم‌سالار باشد»	مردم‌سالاری (درک)
	«مشارکت سیاسی ما بعید می‌دونم در زندگی مون دخلی داشته باشه»	بی‌تأثیر دیدن مشارکت سیاسی

کدهای به‌دست آمده (مفاهیم و مقولات) برحسب موضوع تحقیق و پرسش‌های پژوهشی و نوع داده‌ها، دو حالت دارند: یا مفهومی در بدنه متن است که به آنها کدهای «متصل به متن» (in Vivo Code) می‌گوییم و آنها را نشانه‌گذاری و جدا می‌کنیم یا سازه‌های مفهومی و مقوله‌ای استنباط شده ما از متن است که ضمن وفاداری کامل، آنها را کدهای «برساخته از متن» (Constructed Code) تعبیر می‌کنیم. در جدول ۳ نمونه‌ای از مراحل کدگذاری داده‌های خام و انتخاب مفاهیم و سپس گرد کردن مفاهیم مشترک در زیرمجموعه خرده‌مقولات را آورده‌ایم.

جدول ۳ نمونه سیر از داده‌ها به مفاهیم به خرده مقولات و مقولات

مقولات	خرده مقولات	مفاهیم	کد
	روراستی سیاسی	شفافیت مسئولان (راهبرد)	
		اصلاحات اقتصادی	
	اصلاحات پایدار اقتصادی	اراده جدی برای اصلاحات در مسئولان	رسول (۳۹-۴۲)
		بی‌فایده بودن اصطلاحات ناپایدار	
تدابیر اصلاحی	توجه به مردم (راهبرد)	اهمیت به دیدگاه مردم (راهبرد)	افشین (۵۰)
		مبارزه با فساد	
		گسترش عدالت	مرتضی (۱۸-۱۹)
	اصلاحات پایدار اقتصادی	حیاتی بودن نقش بازار در کشور	
		لزوم امنیت اقتصادی	محمدحسین (۱۱-۱۳)
		جلوگیری از فرار سرمایه	

در جدول‌های مختلف، مقوله‌هایی نشان داده شدند که از داده‌های خام و طیف‌های مفهومی برآمده از آن داده‌ها به‌وجود آمده‌اند و حاوی معانی انتزاعی شده

۱. این شماره‌ها، شماره‌های جملات مصاحبه در جدول کدگذاری باز است.

نهایی و مرتب شده‌اند؛ از مقوله‌های فرعی تا مقوله‌های اصلی (خرده‌مقولات تا مقولات). بعد تحلیل و تفسیر داده‌ها و مفاهیم و مقولات به دست آمده از تحقیق، مدل محوری «بی‌اعتمادی تدریجی» به عنوان مقوله‌های اصلی که بقیه مقولات و مفاهیم را تحت پوشش خود درمی‌آورند، انتخاب شدند.

۶. یافته‌ها (مفهوم‌ها و مقوله‌های استخراج شده از اطلاعات)

نتیجه کدگذاری سه مرحله‌ای اطلاعات گردآوری شده، استخراج ۸۳۷ داده خام که با کدگذاری‌های سه‌گانه منجر به طبقات مفهومی و انتزاعی به شرح زیر گردید. ۳۸۷ کد مفهومی، ۵۸ خرده مقوله. مطابق فرایند روش شناختی، که شرح داده شد، طی سه مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری، از درون اطلاعات اولیه، رمزها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس، در مصاحبه‌های بعدی، مفاهیم جدید اضافه و به غنای مفاهیم قبلی افزوده شد. در مرحله بعد، خرده مقولات در قالب مقولات قرار گرفتند تا اینکه ۱۷ مقوله برای این پژوهش به دست آمد. مقوله‌ها نیز برای ارائه در مدل پارادایمی در شش دست ذیل حول مقوله هسته قرار گرفتند:

• پدیده

• شرایط علی

• عوامل بسترساز

• شرایط مداخله‌گر

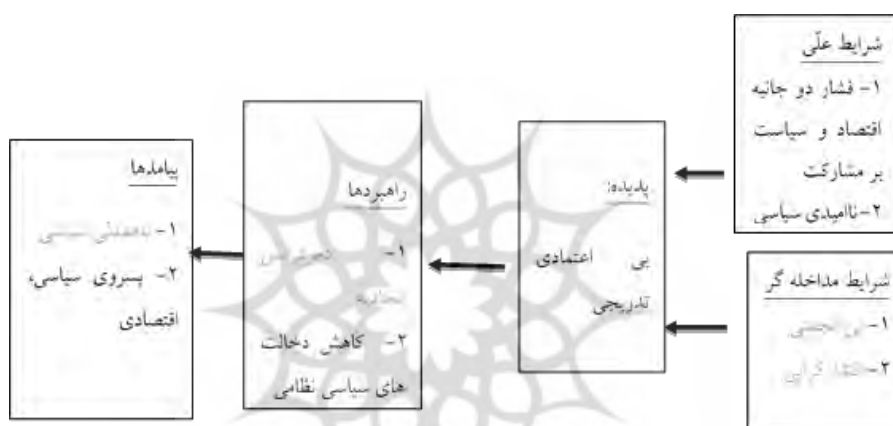
• راهبردها

• پیامدها

۷. پدیده محوری بی‌اعتمادی تدریجی

اعتماد اجتماعی از مفاهیم مهم و حیاتی در علوم اجتماعی و عاملی برای تعامل میان افراد نسل‌های مختلف جامعه است. در عین حال، اعتماد می‌تواند روابط بین افراد را در

سطوح خرد و کلان تسهیل کند. اعتماد اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی و یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره مدرن است. عدم توجه به اعتماد سبب تأخیر در کارها و هزینه‌بر شدن آنها، خلل در روابط و تعاملات و باعث ایجاد مشکلاتی در مشارکت اجتماعی، نظم اجتماعی، سلامت اجتماعی و به‌طور کلی عدم توسعه همه‌جانبه می‌شود (مرادی پیام، هادی‌زاده و یونسی، ۱۳۹۴: ۱).



شکل ۱. مدل انتخابی بی‌اعتمادی تدریجی

بنابراین، بی‌اعتمادی، پدیده‌ای نیست که یکپاره به‌وجود آید؛ بلکه در طول حوادث و جریان‌های متوالی، بذری بی‌اعتمادی در اذهان و دل‌های افراد، کاشته می‌شود و ریشه می‌دواند. محقق در این پژوهش دریافت که عنصر اصلی و مرکزی داده‌های حاصل از مصاحبه، عدم اعتماد یا از بین رفتن تدریجی آن، در بین مشارکت‌کنندگان است. شرایط علی این پدیده عبارت است از: ۱. فشار دوجانبه اقتصاد بر مشارکت و ۲. ناامیدی سیاسی. شرایط مداخله‌گر در به‌وجود آمدن بی‌اعتمادی میان افراد مشارکت‌کننده پژوهش شامل دو عامل ذیل است: ۱. عقب‌ماندگی سیاسی اجتماعی و ۲. نبود آزادی بیان. راهبردهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان برای فائق آمدن بر شرایط بی‌اعتمادی

تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات ... (رضا غلامی زرنه، ابراهیم متقی و ... ۶۷۷)

تدریجی، عبارت‌اند از: ۱. تدابیر اصلاحی و ۲. کاهش دخالت‌های سیاسی - نظامی. در نهایت، پیامدهای عمده این پدیده که در این پژوهش شناسایی شد، عبارت‌اند از: ۱. بی‌اعتمادی سیاسی و ۲. پس‌روی سیاسی - اقتصادی.

۸. شرایط علی به‌وجودآورنده پدیده بی‌اعتمادی تدریجی

۱. فشار دوجانبه اقتصاد و سیاست بر مشارکت: در پندار مصاحبه‌شوندگان، فشار و تنگنای حاصل از شرایط بحرانی اقتصاد و تدابیر نه‌چندان عقلانی سیاسی، فشارهای مضاعفی بر مردم وارد می‌کند. نتیجه این فشارها، بی‌اعتمادی تدریجی به مشارکت‌های عمومی و اجتماعی - سیاسی است. استفن و لاو (Stephen and Law) معتقدند وجود امنیت در دو ساختار اقتصاد و سیاست، برای رشد و پیشرفت یک کشور، امر بدیهی است. «دو سیستم سیاسی و اقتصادی در تعامل گسترده‌ای نسبت به یکدیگر به‌سرمی‌برند و نظریات معطوف به تقدم هرکدام بر دیگری، بر وجهی از تقلیل‌گرایی گرفتار آمده است. پویای امنیت در سیستم سیاسی، نزدیک‌ترین تعامل با وجوه سیستم اقتصادی را داراست، به‌طوری‌که بر بعد امنیت در هر دو ساختار عنایت شایانی می‌گردد» (Stephen and Law, 1988) از سوی دیگر، شرایط ویژه و منحصربه‌فرد اقتصاد سیاسی ایران، از عمده‌ترین علل به‌وجود آمدن شرایط داخلی و مناسبات بین ملت - دولت، به‌شمار می‌رود.

«فضای اقتصادی ایران امروز، رویدادهای ویژه و منحصربه‌فرد اقتصادی را شاهد است که وقوع برخی از آنها تاکنون در دنیا سابقه نداشته؛ از این‌رو زمانی که شرایط ویژه و بدون‌الگویی به‌وجود می‌آید، ضرورت نوآوری و ایده‌پردازی از سوی صاحب‌نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت پیدا می‌کند. در هیچ‌یک از مکتوبات و نظریه‌های متداول اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و ... در آن نسخه شفابخشی ارائه شده باشد» (میلانی، ۱۳۹۴: ۵).

محمدرضا: «حتی دوستای من هم همین‌طور اونا هم تو کار نخ هستند الان دیگه همش در حال گریه کردن هستند چون پولشون روی هواست و زندگیشون روی هواست فقط دارن حمالی می‌کنن برای تولید که هیچ فایده‌ای هم براشون نداره. اصناف فقط کارشون اینه که موقع که درگیری پیش میاد ما را مجبور کنند که مغازه‌هامون رو باز کنیم یا فلان کار را بکنیم. خلاصه من که ۲۰-۲۵ سال تو بازارم و دوستای منم همین‌طور و می‌دونم نظر اونا هم همینه. هیچ‌کدوم اینا (بازاریان) به مشارکت سیاسی اعتقادی ندارند و تنها پول می‌شناسند پول داشته باشی همه‌چی داری. یعنی همه براشون یه چیز مهمه و اصلاً میگن معنی مشارکت سیاسی چیه و چه معنی می‌تونه داشته باشه چه اثری داره و یا چه تأثیر یا نفعی برای ما داره و مشارکت چه سیاسی چه غیرسیاسی هیچ تأثیری در بازارشون نداره و نخواهد داشت».

فریرز: «ازسوی دیگر عافیت‌طلبی صنفی بخشی از عوامل اصلی در عدم مشارکت سیاسی است. دریافت شخصی من از بدنه بازار این است که حال بازار ترجیح می‌دهد کم‌تر در چشم حاکمیت باشد تا این‌گونه موانع کم‌تری در راه کسب‌وکار آنها گذاشته شود. در بین بازاری‌ها ترجیح داده می‌شود که مشارکت سیاسی در حد امکان انجام نشود. به نظر می‌رسد به مانند هر نیروی فعال سیاسی بازار هم به دنبال منافع خود است. یعنی بازار بالذات محافظه‌کار است».

۲. **نامیدی سیاسی:** دومین عامل علی در به‌وجود آمدن بی‌اعتمادی تدریجی در بین مشارکت‌کنندگان، نامیدی و یأس از بهبود و گشایش سیاسی و اقتصادی است.

رسول: «عدم برخورد و ارتباط صادقانه و دلسوزانه مسئولین، مردم رو ازشون گریزان کرده. همین مشارکت‌هایی که ما تا حالا انجام دادیم، نتیجه‌اش چی شده؟ اومدن به هر بهونه و وعده و وعیدی مردم رو کشوندن به صحنه. بعد گفتن ببینید این مردم ما رو می‌خوان که اومدن تو صحنه. نه مردم اتفاقاً اومدن که تغییر ایجاد کنند. اما همیشه دست‌خالی برگشتند (مردم). مشارکت سیاسی من نه در جریان سود و زیان بازار تأثیر داره نه در جریان داخلی و خارجی سیاست کشور. کی و کجا به خواست و حرف مردم

اتفاقی افتاده؟ اما آقایون سرشون فعلاً گرم چپاول مملکت. این چیزا براشون مهم نیست». فریبرز: «زیرا آن را برای کسب و کار خود خطرناک می‌دانند. یعنی اکثریت بازار این مشارکت‌ها را به سود خود نمی‌دانند برای اینکه امیدی به تغییر ندارند و قالب‌های سیاسی را در ایران بسیار مستحکم‌تر از آن می‌بینند که بتوانند تأثیرگذاری ملموسی بر روی آن داشته باشند».

۹. شرایط مداخله‌گر به‌وجودآورنده پدیده بی‌اعتمادی تدریجی

۱. بی‌انجمنی: بی‌انجمنی، بیانگر وضعیت یک جامعه نسبت به رشد و پیشرفت جوامع دیگر در زمینه‌های گوناگون است و تمام وجوه مناسبات اجتماعی انسان از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و قوانین را شامل می‌شود. درباره پاسخ چستی عقب‌ماندگی، پاسخ‌ها و تعبیر گوناگونی مطرح شده است. بی‌قانونی و نبود سازمان‌های مدرن، بی‌سوادی، فقر، فقدان امکانات، پایین بودن سطح اخلاق در جامعه و وجود استبداد نمونه‌هایی از این مواردند (علمداری، ۱۳۹۲: ۳۴). بنابر آنچه گفته شد، بی‌انجمنی که از تبعات شکست‌ها و نادرستی تصمیمات کلان در ساختار حکومت‌هاست، امروزه در ایران، به یکی از شرایط مداخله‌گر، در راستای ناامیدی و بی‌اعتمادی تدریجی مردم بدل گشته است.

بابک: «از نظر من مشارکت سیاسی یعنی هرگونه فعالیت (یا حتی منفعل بودن) که منجر به جابه‌جایی قدرت یا تأثیر قدرت روی مردم داشته باشد اطلاق می‌شود. این مشارکت فکر می‌کنم به صورت نهادهای مردمی و سندیکاهای مستقل باید باشد. چون اقتصاد ما سیاست‌زده است هر فعالیت اقتصادی که اتفاق می‌افتد به شکلی مشارکت سیاسی است. پس فساد و انصاف چه به صورت کوچک و بزرگ آن به شکلی مشارکت سیاسی است. بنابراین بازاری‌ها در ایران همواره در حال مشارکت سیاسی هستند (منخصوصاً جایی که قانون ضعیفه یا تیغ عدالت کنده). من و خیلی‌های دیگر به علت خودخواهی یا عدم بینش اجتماعی مترقی مطالبه‌گری کمی داریم. و فقط رفتار اقتصادی و کارافرینی ما به شکلی مشارکت اجتماعی حساب می‌شه. من تجربه‌ای نداشتم

(حضور در گروه‌های ثانویه). ولی تا این سندیکاها مستقل از حاکمیت و فرهنگ‌های مذهبی وابسته به قدرت نباشند قابل‌پذیرش از سمت توده بازار نیستند و فقط نوعی نمونه ضعیف شده حاکمیت است».

حمید: «ببینید، نتیجه همه این بی‌تدبیری‌ها در عرصه‌های اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی، می‌شه پس افتادن حکومت و کل جامعه. قبل از انقلاب ما در فکر ژاپن شدن بودیم. الان حتی نمی‌تونیم خودمون را با افغانستان و پاکستان مقایسه کنیم. چرا؟ چون آقایون ما رو عقب بردند. ثروت و منابع ملی و سرمایه‌های انسانی رو غارت کردند. هیچ‌کسی که سرش به تنش بیارزه و بتونه بره از ایران، تمایلی به ماندن ندار. ما به معنای واقعی کلمه، پی افتادیم. یک عقب‌گرد با شتاب و تمام‌عیار».

۲. **اقتدارگرایی:** یکی از شاخص‌های مهم توسعه در هر کشوری، وجود و تناسب آزادی‌های مدنی، هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی است. از نظر دال، هرچه میزان اقتدارگرایی حاکمان یک جامعه‌ای بیشتر باشد، میزان مشارکت افراد آن جامعه کاهش می‌یابد. اگر افراد جامعه، بعد از بیان نظرها و انتقادهای خود، احساس امنیت نکنند و همواره در انتظار برخوردهای تنبیهی و مجازات‌گونه از سوی نظام باشند، این یکی از شرایط مداخله‌گر در ایجاد عدم مشارکت و بی‌اعتمادی خواهد بود. عباسی، در مورد آزادی بیان و عقیده می‌نویسد: «آزادی عقیده و بیان از یکدیگر جداشدنی نیستند، آزادی نخست بدین معناست که یک شخص بتواند آن‌گونه که می‌خواهد فکر کند و آزادی دوم، ابراز و بر ملا کردن عقاید و افکار برای دیگران از راه وسایلی همچون سخن گفتن، رسانه‌ها، مطبوعات و آموزش، نمایش، سینما، رادیو و تلویزیون و ... است. این آزادی‌های دوقلو برای شکوفاندن هر یک به دیگری نیازمند است» (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). از سوی دیگر، رضوانی نیز براساس رأی فلاسفه، وجود آزادی بیان را با شرایط ذیل، محدود و مورد نقض می‌داند.

- در وضعیت تضاد بین دو یا چند حق بنیادین،

- در وضعیت تضاد بین محتوای روشن یا نیمه‌روشن (مبهم) یک حق،

تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات ... (رضا غلامی زرنه، ابراهیم متقی و ... ۶۸۱)

- در وضعیت تضاد بین یک حق بنیادین و خطر جدی و شدید تهدیدکننده جامعه،

- در وضعیت تضاد بین حقوق و هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اساسی یک

جامعه (رضوانی، ۱۳۹۵: ۸۳).

احسان: «ازطرف‌دیگه [دیگر]، شما با خودت فکر می‌کنی و یه نگاه به تجارب و اتفاقات این چند سال می‌ندازی. می‌بینی اونایی که حرف درست رو زدند، یا به تخلفات و فسادها و رانت‌خواری‌ها اعتراض کردند، الان یا کشته شدند یا با حکم‌های سنگین در زندان‌های طولانی‌مدت دارند می‌پوسند. آیا می‌تونی بیای وسط برای مشارکت؟ خب حرف منم دقیقاً حرف اونایی هست که الان زندان هستند یا متواری شدند. وقتی من نمی‌تونم حرفم رو بزنم، پیام وسط بگم چی؟».

احمد: «پسرعموی من در سن ۱۷ سالگی به‌عنوان مخالف سیاسی زندانی شد و در سن ۲۷ سالگی از زندان آزاد شد. شما فکر کن یه نوجوان ۱۷ ساله چطور می‌تونه مخالف سیاسی باشه؟ قطعاً این جور برخوردها باعث می‌شه یک زهرچشمی از مخالفان و حتی بی‌تفاوت‌ها بگیرند. در این چنین فضای رعب و وحشتی که یا باید تابع باشی یا هزینه‌های هنگفت (زندان، جریمه و حتی مرگ) پرداخت کنی، ترجیح می‌دی سکوت کنی.».

۱۰. راهبردها مشارکت‌کنندگان

۱. **دموکراسی اتحادیه:** براساس نظریه سیمور مارتین لپیست، افرادی که در اجتماع شغلی فعال‌ترند، میزان علاقه، تعهد و درگیری سیاسی آنها نیز بیشتر است، بنابراین، درجه بالای مشارکت اجتماعی با نتایج سیاسی که به بار می‌آوردند، ارتباط دارد. این راهبرد، از طرف اکثر مشارکت‌کنندگان به‌عنوان یک راه‌حل برای حل بحران بی‌اعتمادی به‌وجود آمده بین مردم و حاکمیت، ارائه شد. منظور از دموکراسی اتحادیه، اهتمام مسئولان برای حل و فصل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از همه پرداختن به مسائل و مشکلات داخلی و ایجاد گشودگی سیاسی اجتماعی است.

مرتضی: «شرایط و زمینه‌های ایجاد مشارکت در بین مردم، روراستی با مردم و

شفافیت کامله. خشک کردن ریشه عمیق فساد اقتصادی و پارتی‌بازیه. وجود داشتن قضاتی شجاع و عادل و مستقله. اهمیت واقعی دادن به مردم. تا این اتفاق‌ها نیافتد، مشارکتی صورت نمی‌گیرد اگر هم صورت گیرد، کاملاً نمایشی و ساختگیه».

محمدحسین: «اما در کل اقتصاد کشور از بازار و تجارت می‌گذره. همه دولت‌ها باید یه محیط امنی رو برای تاجران و سرمایه‌داران فراهم کنند. تا فرار سرمایه رخ نده. اما خب ما توی این چند سال چه امنیت سرمایه‌گذاری داشتیم؟».

۲. کاهش دخالت‌های سیاسی نظامی: گستره حوزه ورود و دخالت‌های نظامی و سیاسی به حوزه‌های اقتصادی و عمومی، از نظر بسیاری از کارشناسان و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و اقتصادی، به‌عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی، آزادی‌های مدنی و همچنین ایجاد شکاف و عدم اعتماد مردم به‌نظام سیاسی است. «افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت (اعم از منابع اجبارآمیز و غیر آن) احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهد و از این‌رو مانع توسعه سیاسی می‌شود» (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵). «معمولاً در شرایط بحران‌های ساختاری، کنترل حکومت بر انواع منابع افزایش می‌یابد. این بحران‌ها را می‌توان در افول نظام سیاسی، انقلاب سیاسی، ضعف ملی و اقتصادی در قبال نظام بین‌المللی عدم پیدایش نظام سیاسی همبسته و منضبط جدید و نزاع بر سر قدرت سیاسی یافت. همچنین کنترل متمرکز بر منابع مختلف در فرایند اولیه تکوین دولت‌های ملی مدرن (دوران حکومت‌های مطلقه) به‌دلیل ساختاری ضرورت می‌یابد. به‌هرحال پیدایش کنترل متمرکز بر منابع پیش از گسترش مشارکت در قالب سیاسی مانعی بر سر راه توسعه سیاسی به معنای مورد نظر ما ایجاد می‌کند. زیرا کنترل حکومت بر منابع قدرت بر میزان اقتدار و تمرکز قدرت در حکومت می‌افزاید و از امکان رقابت و مشارکت سیاسی می‌کاهد. تمرکز منابع مختلف در دست حکومت ممکن است کارایی حکومت را افزایش دهد، اما قطعاً مانع رقابت و مشارکت سیاسی خواهد شد و این به معنا عدم توسعه سیاسی است و مانع از آن خواهد شد» (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵). بنابراین، مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز، کاهش این نوع دخالت‌ها و ردپاهای سیاسی و نظامی را

در گستره حوزه عمومی و اقتصادی، یکی از راهکارهای فائق آمدن بر بی‌اعتمادی تدریجی مردم به نظام سیاسی و افزایش مشارکت آنها، قلمداد می‌کنند.

فریبرز: «مثال به نظرم عضویت در بسیج را نمی‌توان هم‌ردیف عضویت در یک حزب سیاسی یا اتحادیه خاص دانست. به نظرم ارگان‌های نظامی در بازار بیشتر می‌تواند دافعه ایجاد نمایند تا جاذبه. زیرا اصل اساسی قرارداد و دادوستد را که ناشی از برابری طرفین است زیر سؤال می‌برند. در ضمن منطق یک فرد نظامی منطق اسلحه است که با منطق بازار در تضاد است».

موسی: «نمی‌شه در تمام کارهای مردم دخالت کرد. از وضعیت پوشش و حجابشان گرفته تا باورها و مناسک مذهبی‌شان. یعنی این حکومت به همه کار مردم کار داره الا به مطالبات واقعی‌شان. به نظرم سازمان‌هایی مثل بسیج یا سپاه باید از دخالت‌های رو به افزایش‌شان از حریم خصوصی مردم، بکاهند و محدود بشند. مردم باید بتونند تنفس کنند بدون دیکته کردن ایدئولوژی‌های شکست‌خورده».

۱۱. پیامدها

۱. **ناهمدلی سیاسی:** در این پژوهش، عمده‌ترین و اصلی‌ترین پیامد بی‌اعتمادی تدریجی، عبارت بود از ناهمدلی سیاسی. این پیامد با توجه به علل و شرایط مداخله‌گرهایی که قبلاً توضیح آنها آمده است، پیامدی مورد انتظار به‌شمار می‌رود. سرکوب و فضای اختناق و مسدودیت‌های ارتباطی با نظام یکی از عمده دلایل این پیامد است «سرکوب ادراک شده، به‌عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های زمینه سیاسی، به معنای محدودیت نظام‌مند ادراک شده از جانب شهروندان در شیوه حکومت است. نظام‌ها و حامیان‌شان سرکوب سیاسی را به‌منظور کاهش یا ممانعت از فعالیت‌های مخالفان خود یا محدود کردن سطح و ماهیت تقاضاهای شهروندان از نظام و دولت به کار می‌گیرند» (عبادی، قلی‌پور و پیران‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۷). هوشنگی و جعفرپور نیز از بین رفتن اعتماد بین مردم و نظام سیاسی را از جمله عوامل کاهش مشارکت سیاسی دانسته

و می‌نویسند: «اعتماد اصلی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی یک نظام سیاسی به‌شمار می‌رود. برقراری فضای اعتماد میان دولت و ملت موجب تعامل بیشتر و بهتر آنها و افزایش مشارکت سیاسی مردم و کارایی نهادهای سیاسی می‌گردد و در مقابل کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به‌اجبار)، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد خیلی حاد موجب بحران مشروعیت می‌گردد» (هوشنگی و جعفرپور، ۱۳۹۱: ۱).

مرتضی: «مشارکت سیاسی مردم در صورتی می‌تونه در زندگی شون تأثیر بذاره که افراد منتخب شده عزم و توان تغییر و اصلاح داشته باشند. که تجربه نشون داده همچنین اتفاقی نمی‌افته. نتیجه دیگه‌ش اینه که وقتی ۴۰ سال پیش همین مردم جونشون رو برای اهداف این نظام می‌دادند الان انقدر بهشون بدبین هستند که حاضر نیستند در هیچ مشارکتی وارد بشند».

محمدحسین: «مثلاً ظاهراً ما در ایران انتخابات داریم و مهم‌ترین زمانی که مردم می‌تونن وارد مشارکت بشند همین انتخاباته. اما عملاً بارها دیدیم چه در تهران چه در شهرستان‌ها و حتی روستاها، این انتخابات سالم برگزار نمی‌شه. از انتخابات نمایندگان اصلح، تا تقلب در تبلیغات و رأی خریدن و تطمیع گرفته تا ده‌ها تخلف ریز و کلان دیگه. بعد که آقایون یا خانم‌ها وارد شغل و پست و مقام جدیدشون می‌شن کلاً شعارها و برنامه‌هاشون رو فراموش می‌کنند. بعد می‌بینی تو موندی و همون مشکلات نخ‌نما شده قدیمی با کلی مشکلات جدید».

۲. **پس‌روی سیاسی، اقتصادی:** پیامد دیگر بی‌اعتمادی تدریجی در مردم، پس‌روی سیاسی و اقتصادی است. پیامدهای این پس‌روی، وجود انواع تحریم‌های اقتصادی - سیاسی، مشکلات و کم‌وکاستی‌های مدیریتی، نارضایتی‌های داخلی، اقتصاد و سیاست رانته است.

افشین: «این تناقضات تأثیر زیادی بر زندگی مون گذاشته. روزه‌روز بر مشکلات افزوده می‌شه. تمام مشکلات مردم هم‌چنان پابرجاست و روزه‌روز این سختی‌ها بیشتر

می‌شه. حداقل تا قبل از دوره احمدی‌نژاد که شرایط بازاریان و مردم تا حدودی بهتر بود. تورم مثل الان بالا نبود و دخل و خرج مردم تا حدودی در تناسب بود تا بحث یارانه‌ها و تحریم‌ها پیش اومد. عدم توجه دولت به مشاغل و عدم حمایت از آنها باعث شده که روزبه‌روز شرایط واسه مردم و خصوصاً بازاریان روزبه‌روز بدتر و بدتر می‌شه. خیلی از بازاریان ورشکست شدن و خیلی از این قشر بیچاره به خاطر ورشکستگی و بدهی توی زندان به سر می‌برند. من خیلی‌ها رو می‌شناسم که الان در زندان هستند. همین افزایش قیمت بنزین هست که باعث افزایش کرایه‌ها شد و به تبع آن قدرت خرید مردم واقعاً پایین اومد و وقتی قدرت خرید مردم پایین بیاد طبیعتاً روی کسب‌وکار تأثیر منفی می‌ذاره از طرفی هزینه‌ها، مثل هزینه‌های اجاره‌بها، آب، برق، تلفن، افزایش پیدا می‌کنه».

حمید: «نتیجه این کارها در این چهل و اندی سال شده فقیرتر شدن ملت. ملت عملاً زیر بار هزینه‌های کمرشکن و عدم درآمد کافی که خودش به خاطر عدم امنیت اقتصادی و سیاسی هست، دارند چون می‌کنن. یک ورشکستگی سیاسی و اقتصادی بر این جامعه حاکم شده».

۱۲. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فشار دوجانبه سیاست بر اقتصاد و ناامیدی سیاسی از شرایط علی سبب به‌وجود آمدن بی‌اعتمادی تدریجی در بین بازاریان و کاهش تدریجی مشارکت‌های سیاسی آنها در دهه اخیر شده است. عقب‌ماندگی سیاسی - اجتماعی و عدم وجود آزادی بیان، از عوامل مداخله‌گر در به‌وجود آمدن بی‌اعتمادی تدریجی به‌شمار می‌رود. در این پژوهش، خط اصلی داستان، عبارت بود از عدم اعتماد و از دست رفتن تدریجی آن نسبت به مسئولان و رهبران سیاسی که اکثریت مشارکت‌کنندگان، به آن اذعان داشتند. شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور طی سال‌های بعد از انقلاب به‌ویژه سال‌های اخیر، به‌دلیل فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، شرایط زندگی و معیشت مردم را با تنگنا مواجه کرده است. ازسوی دیگر، ناامیدی از اصلاحات اقتصادی و سیاسی پایدار و تأثیرگذار (به‌دلیل رواج فساد و

بی‌سامانی اقتصادی و سیاسی) موجب شده مشارکت‌کنندگان اعتماد خود به حاکمیت را از دست بدهند و مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی خود را در جریان و سمت‌وسوی مشی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور دخیل نمی‌دانند. براساس یافته‌های این پژوهش، تدابیر اصلاحی عمیق و عدم دخالت‌های نظامی و سیاسی در مسائل اجتماعی و اقتصادی، راهبرد مورد توافق مشارکت‌کنندگان برای فائق آمدن بر شرایط کنونی و مشکلات عدیده سیاسی و به‌ویژه اقتصادی است.

منابع

- ازکیا، مصطفی، و احمد رش، رشید، و پارتازیان، کامبیز (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد دوم، چاپ اول، تهران: کیهان.
- بهشتی سرشت، محسن؛ رحیمی، عبدالرحیم؛ آدینه وند، مسعود (۱۳۹۴). جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه (۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ش/۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱م)، پژوهش‌های تاریخی دوره جدید، سال هفتم، (شماره ۳، پیاپی ۲۷).
- حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در بهبود مشارکت سیاسی از دیدگاه روستاییان مورد شناسی: شهرستان اردبیل، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، (۶۲).
- دهقان، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره (۱).
- دهقان نژاد، مرتضی؛ رستمی، عادل؛ منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۶). بررسی تحلیل زمینه‌ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، بر اساس «مدل بسیج» چالز تیلی (۱۳۵۷-۱۳۴۰)، فصلنامه علمی رهیافت، دوره ۱۱، شماره (۴۰).
- رستمی، عادل، و دهقان نژاد، مرتضی، و محمودآبادی، اصغر (۱۳۹۸). تاثیر سیاست‌های اقتصادی در تقابل بازاریان با حکومت در عصر پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره (۱۱۵).
- رضوانی، سید حسین (۱۳۹۵). حق آزادی بیان و مسئولیت بین‌المللی کشورها در قبال آن، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره (۴).

تبیین جامعه‌شناختی تنگناها و مشکلات ... (رضا غلامی زرنه، ابراهیم متقی و ... ۶۸۷

زارعی، غفار، و کولیایی، حدیثه (۱۳۹۵). نقش طبقه بازار در تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس پژوهش‌های نوین و مدیریت دانش در علوم انسانی، تهران.
عبادی، نعمه، و قلی پور، آرین، و پیران نژاد، علی (۱۳۹۳). شناسایی عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی، فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۷، شماره (۲).

عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: انتشارات دادگستر.
علمداری، کاظم (۱۳۹۲). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، چاپ هجدهم، تهران: توسعه نشر.
علیانی، محمدرولی (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نخبگان (بررسی نخبگان علمی شهر تهران)، رساله دکترا، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

غنی نژاد، موسی (۲۰۰۸)، فرهنگ سیاسی ایران. www.bbc.com/persian

فیرحی، داوود (۱۳۷۷). مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، قم: مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع)، دوره اول، شماره (۱).

مرادی پیام، فرشید، و هادی زاده، ندا، و یونسی، فاطمه (۱۳۹۴). آسیب شناسی بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه و ارائه راهکارهای مقابله با آن، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران.

مقدس جعفری، محمد حسن، و باقرزاده، فیروز (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، شماره (۱).

میلانی، جمیل (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، مجله اقتصادی، شماره (۷ و ۸).

هوشنگی، حمید، و جعفرپور، رشید (۱۳۹۱). ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه ایرانی در دوره رژیم پهلوی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره (۲).

Abbasi, Bijan (2011). *Human Rights and Fundamental Freedoms*, Tehran, Dadgostar Publications, (in Persian).

Ahmadi, Yaaghoub, Mohammadzadeh, Hossein and Majidi, Aboubakr (2018). "Typology of Political Culture of Kurdistan Province's Students Based on Social-Cultural Variables", *Practical Sociology*, Year 29, No. 1 (in a row 69), (in Persian).

Alamdari, Kazem (2013). *Why did Iran lag behind and West move forward?*, Eighteenth Edition, Tehran: Tose'eye Nashr, (in Persian)

Aliei, Mohammadvali (2010). *Factors Influencing Elites' Political Participation (Analysis of Tehran City's Elites)*, Ph.D. Thesis, Sociology Field, Social Sciences Department, Allame Tabatabaei University, (in Persian)

Azkiya, Mostafa, Ahmadrash, Rashid and Partazian, Kambiz (2017). *Methods of Qualitative*

- Research from Theory to Practice*, 2nd Volume, First Publication, Tehran: Keyhan, (in Persian).
- Azkiya, Mostafa; Ghaffari Gholamreza (2010). *Contemporary Social Theories with a Development Approach*, Tehran: Elm Publication, (in Persian).
- Beheshti Seresht, Mohsen, Rahimi Abdolrahim and Adinehvand, Masoud (2015). "The Position of Bazaars and Guilds in Political and Economic Developments of Iran from Reza Khan's Coup to the First decade of Reza Shah's Reign (1920-1931)", *Historical Research of the New Era*, Seventh Year, (No. 3 in a row 27), (in Persian).
- Dehghan, Alireza and Ghaffari, Gholamreza (2005). "Explaining the Socio-Cultural Participation of Students in Medical Universities in Tehran", *Iran sociology Magazine*, Period 6, No. 1167-98, (in Persian).
- Dehghannejad, Morteza, Rostami, Adel and Montazerolghaem, Asghar (2017). "Analysis of the Contexts and Factors of Bazaars' Confrontation with the Second Pahlavi Government, Based on "Basij Model" Charles Tilly (1962-1979)", *Rahyafte Scientific Quarterly*, Period 11, No. 40, (in Persian).
- Ebadi, Naghmeh, Gholipour, Arian and Pirannejad, Ali (2014). "Identification of Factors Influencing Political Capital", *Development Management Process*, Period 27, No. 2, (in Persian).
- Firhi, Davoud (1998). "The Concept of Political Participation", *Political Sciences Quarterly*, Qom: Bagherololum Institute of Higher Education, First Period, No. 1, (in Persian).
- Ghaninejad, Mousa (2008). "Political Culture of Iran", www.bbc.com/persian, (in Persian).
- Ghavam, Seyed Abdolali (1994). *Political Development and Administrative Evolution*, Second Edition, Tehran: Ghomes. (in Persian).
- Heidari Sareban, Vakil (2018). *Factors Influencing Political Participation from the Perspective of Villagers*, Case Study: Ardabil City, Geography and Urban-Regional Planning (62), (in Persian).
- Houshanghi, Hamid and Jaafarpour, Rashid (2012). "The Roots and Backgrounds of Political Distrust in Iranian Society during the Pahlavi Regime", *Political Researches of Islamic World Quarterly*, Second Year, No. 2, (in Persian).
- Huntington, Samuel (1998). *Understanding Political Development*, Translation and Publication: Strategic Studies Institute (in Persian).
- Jakubowska, Urszula. and Kaniasty, Krys. (2015). *Predictors of Political Participation in Poland: Gender And Period Effects In The Context of Political Transformation*, Ceskosloveenska Psychologie.
- Lin, Y. H(2016). "Young Voters Non- Voting Behavior in Taiwan", *Asian Journal of Communication*.
- Mekonen, Desyalew. and Mulugeta Berihun Asfaw, K. (2016). Indigenous Voluntary Urban.
- Milani, Jamil (2015). "Resistance Economics and National Self-confidence, Opportunities and Challenges of Its Occurance", *Economic Magazine*, No. 7 and 8, (in Persian).
- Moghaddas Jaafari, Mohammad Hassan and Bagherzadeh, Firouz (2002). "Analysis of Factors Influencing on Cultural Participation of Students of Kerman's Universities", *Culture Researchers Quarterly*, No. 1, (in Persian).
- Moradi Payam, Farshid, Hadizadeh, Neda and Younesi, Fatemeh (2015). *Pathology of Social Distrust in Society and Providing Solutions to deal with It, The First National scientific research Congress on the Development and Promotion of Educational Sciences and psychology*, Sociology and Socio-cultural Sciences of Iran (in Persian)
- Quaranta, M. (2016). "An apathetic generation? Cohorts' patterns of political participation in Italy", *Social Indicators Research*, 125(3).
- Rezvani, Seyed Hossein (2016). "The right to freedom of Expression and International

Responsibility of Countries towards It, Foreign Politics Quarterly", 30th year, No. 4, (in Persian).

Rostami, Adel, Dehghannejad, Morteza and Mahmoudabadi, Asghar (2019). "Impact of Economic Politics in Bazaars' Confrontation with Government in Second Pahlavi Period (1942-1979)", *Document Treasure Quarterly*, No. 115, (in Persian).

Silverman, D. (2013). *Doing Qualitative Research: A Practical Handbook*.

Stephen B. Wilson, Attorney at Law (1988). 35 South Park Place Suite 150 Newark Oh 43055
Tele: 740-345-4550. file:///C:/Users/Parii/Downloads/e2021033_chan_s

Strauss, Anselm and Corbin, Juliet (2011). *Theory of the Principals of Procedures and Practices*, Translation: Boyuk Mirzaei, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian).

Zarei, Ghaffar, and Koliaei, Hadiseh (2016). *The Role of Bazaars in Political Changes of Islamic Republic of Iran*, Novel Researches Conference and Management of Science in Humanities, Tehran. (in Persian).

